

حوزه‌های علمیه در دوران خلافت

مسجد

در جامعه اسلامی، خصوصاً در صدر اول، مسجد بزرگترین پایگاه مسلمانان به شمار می‌آمده، و در حقیقت قلب تپندهٔ جامعه بوده است. در مورد کوفه، مسجد جامع آن، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بگونه‌ای که تاریخچهٔ آن با تولد خود شهر بهم پیوند خورده، بلکه باید گفت: ابتدا مسجد پایه‌گذاری شد و سپس شهر، پیرامون آن بنا گردید.

طبری (متوفی ۳۱۰ ق) گوید: هنگامی که ارادهٔ ساختن شهر کوفه را نمودند، اولین چیزی که نقشهٔ آن کشیده شد و بنا گردید، مسجد بود. مردی در وسط ایستاد و از چهار طرف تیری پرتاب نمود، بدین ترتیب حدود چهارگانه مسجد به وجود آمد.^(۱)

از نوشتهٔ طبری چنین معلوم می‌شود که مسجد در ابتدا فاصلهٔ بیشتری با خزانه دولتی (= بیت المال) داشته، ولی در همان زمان سعد (بنیانگذار کوفهٔ جدید) به وسیلهٔ نقب، اموال خزانه به سرقت می‌رود. سعد با مشورت عمر، مسجد را به مکانی نزدیک خزانه و کاخ (= دار الامارة) منتقل می‌سازد.

طبری ساختن بنای مسجد وقصر را، بصورت پیوسته بهم، به یک معمار ایرانی، از اهل همدان، به نام روزبه نسبت می‌دهد. شخص مذکور گویا سالیانی در روم (ظاهراً روم شرقی،

کوفه نخستین حوزه شیعه

یا ترکیه فعلی) بود، و شاید اصول مهندسی ساختمان را از آنجا آموخته است، ولی مسجد کوفه، از نظر معماری، هیچ شباهتی به کلیساهای روم ندارد.

از نظر شکل ظاهری، این مسجد به صورت مربع، و فعلاً بیشترین قسمت آن بدون سقف است. در اطراف آن اطاقهایی برای زوار و یا معتکفین ساخته‌اند. مساحت فعلی آن را ۴۰/۰۰۰ مترمربع می‌گویند، یعنی مربع ۲۰۰×۲۰۰ متری، ساختمان آن تقریباً شمال جنوبی است. بخاطر انحراف قبله کوفه (حدود ۲۱ درجه) مسجد نیز همین مقدار از جنوب به غرب انحراف دارد.

به مرور ایام تغییرات مهمی در مسجد انجام شده، چه از نظر شکل ظاهری و چه از نظر بزرگی آن.

بجز مسجد جامع، مساجد فراوان دیگری نیز در شهر کوفه وجود داشت، که مشهورترین آنها - طبق روایات شیعه - مسجد معروف سهله است. در توضیح نقشه شماره یک - مقاله قبل، صفحه ۹ - نام پاره‌ای از این مساجد آمده است. لازم به تذکر است که وجود سائر مساجد در کوفه، از اهمیت و موقعیت مسجد جامع نکاست.

اهمیت و فضیلت مسجد جامع

از نخستین روز تأسیس تاکنون، مسجد جامع دارای اهمیت فوق‌العاده در زمینه‌های عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی... بود. طبیعی است، شرائط خاص حکومتها و دولتها، همچنان که سرنوشت کوفه را دگرگون می‌ساخت، در درجه اهمیت مسجد نیز تأثیر می‌گذاشت. اوج اهمیت آن در ابعاد مختلف، در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود، حضرتش، دوازدهم رجب سال ۳۶، به کوفه نزول اجلال فرمودند، برخلاف رویه متعارف حکام و امرا، وارد مسجد شده، خطبه‌ای در باره اصول معنوی و مسائل سیاسی - اجتماعی روز ایراد نمودند.^(۱)

شواهد تاریخی حاکی است: اکثر سخنان آن حضرت - به ویژه خطبه‌ها - که قسمتی از آنها به نام «نهج البلاغه» در اختیار ماست، در همین مسجد ایراد شده است. در میانه مسجد،

سکوئی سنگی به نام **دکة القضاء**، وجود دارد، که می‌گویند آن حضرت در این جایگاه قضاوت می‌فرمودند، و هم‌اکنون نیز آن سکو موجود است.

این مسجد نوینیا، همچون مسجد مدینه، کم‌کم بصورت یک مرکز فرهنگی - علمی فعال و پر جوش درآمد جایگاه بحث و تدریس هزاران طالب علم گردید. در گوشه کنار آن صدها حلقه درس تشکیل می‌شد. درسها بیشتر بر صورت نقل «حدیث» نبود، حتی مسائل علوم طبیعی یا فیزیک و شیمی نیز بعضاً به صورت حدیث بود. د رساله‌هایی که به اسم جابر بن حیان منتشر شده، برخی از مسائل فوق را بعنوان حدیث از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند.*

این حرکت فعال علمی مهمترین زمینه‌ساز تألیف و نشر مصادر علمی مکتب اسلام گردید. از حسن بن علی و شفاء نقل شده: در این مسجد نهصد و یا ششصد استاد را دیدم که از امام صادق (علیه‌السلام) حدیث نقل می‌کردند.

این مسجد در بعد سیاسی - اجتماعی همیشه مرکز قدرت نمائی موافقین و مخالفین دستگاه حکومت به شمار می‌رفت. و بخاطر نزدیک بودن به کاخ امیر (= دارالامارة) حکومت حساسیت بیشتری روی آن داشت، و مخالفین نیز از همین موضع بیشتر استفاده می‌نمودند.

برای نمونه، در اوائل قرن دوم، گروهی به سرکردگی شخصی به نام ابوالخطاب، دست به قیام مسلحانه (البتة مسلح به چوب و عصا، بجای شمشیر و نیزه) زدند. آنان که در حدود هشتاد نفر بودند، در حالی که شعار: لبیک یا جعفر! سر می‌دادند، قیام و شورش خود را از این مسجد آغاز نمودند. نیروهای دولتی آنان را به درون مسجد رانده، و همگی را - به جز یک نفر - کشتند. این افراد به حسب ظاهر شیعه، و شعارشان نیز به پشتیبانی از امام صادق (علیه‌السلام) بود، ولی از نظر فکری و عقیدتی کاملاً از اصول مذهب منحرف بودند.

* در شماره‌های بعد، بحثی راجع به صحت و سقم این رسائل خواهیم داشت.

دار الاماره

کاخ والی (= دار الاماره) در جنوب مسجد، و تقریباً سمت قبله آن، در زمان سعد (بنیانگذار کوفه جدید) ساخته شد. اگرچه عمر شخصی را از مدینه فرستاد و بخشی از آن را سوزانید، ولی همچنان برجای بود و بعدها مجلل تر شد. پس از ورود امیر المؤمنین (ع) به کوفه از آن حضرت خواستند به قصر تشریف ببرند، ولی حضرت مخالفت کرد، و حتی آن را کاخ مالیخولیا (قصر الخیال) نامید. و آنگاه در منزل فرزند خواهرشان - به نام جعد - نزول اجلال فرمودند، و سپس در منزل کوچکی نزدیک مسجد، که هم اینک نیز به نام بیت علی (= خانه علی (ع)) خوانده می شود، تشریف بردند.

این قصر، چند مرتبه خراب شد، مثلاً عبدالملک بن مروان بعنوان اینکه مکان مشؤومی است آن را ویران کرد، و همینطور... فعلاً نیز به جز پایه و اساس، چیزی از ساختمان آن باقی نمانده است.

نظام قبیله‌ای

مهمترین مطلبی که در شناخت کوفه و مسائل تاریخی آن باید در نظر داشت، بافت قبیله‌ای این شهر است. اصولاً عرب از نژادهائی است که معیارهای قبیله‌ای فوق العاده بر آن حکومت دارد. در اصول اسلامی، اگرچه با این تفکر مبارزات ریشهای و پیگیری شده. ولی متأسفانه از اوایل دوران خلافت، و به خصوص در زمان خلیفه سوم، بار دیگر این مسأله در جامعه اسلامی مطرح گردید، و به ویژه در زمان بنی امیه با طرح مسأله عرب و غیر عرب (عجم)، شدت بیشتری پیدا نمود. در ارتباط با این مسأله کم نیستند مستشرقین و حتی پاره‌ای از مورخان اسلامی که هنوز بر این باورند: اختلاف خاندان علوی با بنی امیه، ناشی از اختلاف شخصی هاشم و امیه بوده، و همچنین مخالفت اسلام با یهود، سرچشمه اش اختلافات قبیله‌ای این دو تیره نژاد سامی می باشد.

نظام قبیله‌ای در میان اعراب را نمی توان شبیه نظام فئودالی و یا نظام بردگی نامید، زیرا ارزشهای قبیله‌ای

به موازات اهمیت و مرکزیت این مسجد فضائل و وصیاتی برای آن نقل شده. مثلاً: از جمله مواردی است سافر مخیر است نماز را شکسته یا تمام بخواند. و دیگر نماز در آنجا معادل ۱۰۰۰ رکعت به شمار می آید. احادیث فضیلت این مسجد مبارک چهره ملکوتی سی به آن می بخشد. علاوه بر پاره‌ای مطالب واضح و نمانند اینکه کوفه حرم امیر المؤمنین (علیه السلام) است، یا عنایت خاص هر یک از ائمه به این مسجد، در ات اموری در فضیلت آن آمده. که تصدیق آنها ابهاماتی همراه دارد، به عنوان نمونه: همه انبیاء در این مسجد خوانده اند، و بر همین اساس، حتی در زمان حاضر، نها و سکوهائی در آن به نام انبیاء گذشته: حضرت ، حضرت ابراهیم... و همچنین به نام فرشتگان الهی چون تیل و ... وجود دارد. ولی این را نیز انکار نمی کنیم که بونه مطالب قطعی البطلان نیست. مثلاً چون این منطقه یک بابل و سر راه عراق به مکه قرار داشته، و حضرت هم هم - مثلاً - در بابل می زیسته بنا بر این آمدن آن رت به این مکان و عبادت در آن را نمی توان به صورت ی غیر واقعی خواند. و از همین قبیل است روایاتی که گوید حضرت رسول (ص) در اینجا نماز خوانده است سه چون تاریخ بسنای آن شش سال و اندی پس از ت حضرتش می باشد و از سوی دیگر، سفر آن حضرت ین مناطق ناشناخته است، در همان روایات آمده نماز ندن مذکور در شب معراج بود. اینگونه مسائل، در نظر ی، اگر چه مبهم به نظر می رسد، ولی نتوان بدین خاطر مه روایت را رد کرد. ما از حقیقت شب معراج خبر یم تا بگوئیم این و یا آن عمل معین در معراج بوده وده است.

برای اینکه نمونه‌های روشنی داشته باشید، می توانید کتاب جامع الاحادیث (۳) مراجعه کنید در آنجا حدود ۵۳ یت نقل شده، که متأسفانه اکثر آنها از نظر اعتبار، ان روشن نیستند.

بیشتر سیاسی- اجتماعی بوده تا اقتصادی، گاه می‌شد رئیس و بزرگ یک قبیله، از نظر مالی، از دیگران عقب‌تر بود. پیوند افراد با قبیله بر اساس عاطفه و احساس استوار می‌گردید. یک فرد، بدون پشتوانه قبیله، تنهائی و بیگانگی بر جان‌ش سنگینی می‌نمود، قبیله برای او چون آب برای ماهی است. این فکر را در زمان ما می‌توان، چیزی شبیه ملی‌گرائی و قبیله را چون وطن، دانست.

وجود قبایل مختلف در شهرهای با سابقه، همچون یثرب (مدینه) و یا مکه، همیشه زد و خورد‌ها و جنگ‌هایی را به همراه داشت، تا چه رسد به شهری چون کوفه، که تشکیل آن با گرد آمدن قبیله‌های گوناگون هم‌زمان بود. قبائل مهاجر یمنی، بحرینی، حدود چهار هزار سرباز ایرانی، به اضافه لشکریان خود سعد، عناصر اولیه کوفه را تشکیل می‌دهند. شاید همین روحیه قبیله‌ای و تشدت و تعدد آنها، عامل اصلی و اساسی اختلافات، ناهماهنگی و پراکندگی کوفه بوده است.

در نظام قبیله‌ای فرد و یا افراد معدود فقط باید از قبیله خود توقع یاری داشته باشند. و اگر قبیله او هم سر خضوع در برابر دستگاه جبار فرود آورد، او احساس می‌کند هیچ پناهگاهی در جامعه ندارد. و این سان مبارزه کردن چه جانکاه و غم‌آلود است. کسانی که می‌خواهند با سیر حوادث کوفه از نزدیک آشنا شوند، نیازمند بررسی و تحلیل‌های دقیق از قبایل اولیه، شناخت خصوصیات روحیه آنان، آشنائی با قبایل هم‌جوار و نحوه روابط آنان... می‌باشند. هدف ما اشاره‌ای گذرا به تأثیر این اندیشه قبیله‌ای در ابعاد مختلف کوفه، در فرهنگ کوفه، در حوزه کوفه، در قیامها و جنبشهای کوفه، در جامعه شناسی کوفه... است، تفصیل آن نیاز به بحث‌های بیشتر دارد.

اختلافات مذهبی قبائل

ماسینیون در کتابچه خود پیرامون کوفه، قبایل مهم منطقه عراق- بصره و کوفه- را از نظر مذهبی چنین توصیف می‌کند:

تمیم: همه شاخه‌های آن سنی بودند، بخصو «دارم» در کوفه، و «بنی‌عمرو» در بصره شاخه بنی‌س رادیکال‌تر بودند، عناصر کوفی آن شیعه و عناصر بصری خارجی. و همچنین بنی‌حنظله که با ایرانیان روابط دوست داشتند، میانه‌رو به شمار می‌آمدند.

اسد: ضد شیعه بودند. اگر چه نام شیعیان در این قبیله نیز فراوان است. و همچنین بنی‌اسد ساکن اطراف کربلا، پیکر سیدالشهدا(ع) را به خاک سپردند.

بکر: شاخه‌های کوفی آن بیشتر ضد شیعه و شاخه‌های بصری آن اغلب شیعه بودند.

خزاعه: از پیش‌تازان در تشیع به شمار می‌روند. عبدالقیس: اینان پیش از سال ۳۰ هجری شیعه بودند و بر آن ثابت ماندند.

مذحج: همه شاخه‌های آن شیعه بودند، مگر بلحار که از سال ۴۱ هجری به خوارج پیوستند. کنده: همه شیعه بودند.

همدان: از بارزترین و افراطی‌ترین عناصر شیعی بودند گویند: زنان همدان در دهمین روز شهادت سیدالشهدا نخستین کسانی بودند که مجلس عزاداری را آشکارا بپا داشتند. آنان حضور فعالی در جمیع انقلاب‌های زیدی خود نشان می‌دادند. یک شاخه آن (بنی ناعط) مدت کوتاهی از تشیع دست برداشتند و سپس بدان بازگشتند بجهیله: از اول مخالف شیعه بودند، دو نفر از آن به نجه و مغیره شیعه بوده‌اند.

باهله: ثقیف، تغلب، هلال: غالباً بر ضد شیعه بودند به استثنای افرادی از آنان.

البته این نکته را نیز به تحقیقات ماسینیون باید اضافه نمود که نام بردن یک نفر و یا دو نفر از قبایله‌ای به این معنی نیست که فقط همین افراد شیعه و یا سنی بوده‌اند. متأسفانه این اشتباه در سخن ایشان در بیشتر قبائل وجود داشت، و ما فقط، در قبایله بجهیله نام بردیم.

۱- تاریخ طبری، حوادث سال ۱۲.

۲- وقعه صفین، تألیف نصر بن مزاحم (متوفی ۲۱۲): ص ۳-۴.

۳- جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۵۲۳-۵۴۲.